

همچنین با بررسی موردی فصل ۸۵ قانون صادرات و واردات در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۰، روشن خواهیم ساخت که سیاست‌های بازرگانی در مورد ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزاء و قطعات آنها... نه تنها هم جهت با دست‌آوردهای هفتاد ساله گات و سازمان جهانی بازرگانی نیست بلکه در خلاف مسیر و مغایر با قوانین و مقررات این سازمان است. در پایان لزوم به روز بودن سیاست‌های تجاری و کاهش برنامه‌ریزی شده موانع تجاری به عنوان نخستین گام برای بسترسازی مناسب در پیوستن ایران به این سازمان جهانی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

نظر به عنایت خاصی که در برنامه سوم توسعه اقتصادی به فراهم ساختن بسترهای لازم برای پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی شده است در این مقاله ابتدا دلایل ایجاد این سازمان و لزوم پیوستن ایران به آن را نه به عنوان یک انتخاب، بلکه با توجه به مصوبات دوراوروگونه، به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مورد مطالعه قرار می‌دهیم. سپس ضمن بررسی موانع متعددی موجود در راه الحاق ایران به سازمان جهانی بازرگانی بطور مشخص تنگناهای قانونی موجود در کشور برای پیوستن ایران به این سازمان را ارزیابی و بر لزوم اصلاحات در این زمینه با توجه به فرصت اندک باقیمانده تأکید می‌کنیم.

مقدمه

جنگ‌های اول و دوم جهانی و برقراری محدودیتها و موانع تجاری، تعدادی از کشورهای جهان را در سال ۱۹۲۱ در ژنو و در سال ۱۹۴۷ در هاوانا گردهم آورد تا با اتخاذ سیاستهای لیبرالیستی و توسعه همکاری متقابل اقتصادی و تجاری اوضاع اقتصاد بین‌الملل را سروسامان دهند.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۱ در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ بین ۲۳ کشور عمدتاً صنعتی طی قراردادی ۳۴ ماده‌ای به امضا رسید. این موافقتنامه به عنوان قراردادی موقتی در فصل چهارم منشور هاوانا ارائه شد که هدف اصلی آن تشکیل سازمان بین‌المللی بازرگانی^۲ بود. هرچند طرح تشکیل سازمان بین‌المللی بازرگانی که مهمترین رکن منشور هاوانا بود هیچگاه عملی نشد ولی گات با هدف حذف موانع تجاری و آزادسازی تجارت بین‌الملل موجودیت یافت بطوری که در سال ۱۹۹۴ تعداد ۱۲۴ کشور در آن عضویت داشتند و علی‌رغم تعداد اندک آن، در حال حاضر حدود دوسوم اعضای این سازمان را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند.

تفکر اقتصادی مركاتیلیستها در قرون پانزدهم، شانزدهم و هفدهم میلادی زراندوزی از طریق افزایش صادرات و فزونی گرفتن آن بر واردات را عامل افزایش ثروت و قدرت افراد و دولت‌ها می‌دانست و نتیجه آن تشویق صادرات و اعمال محدودیت بر واردات بود. آدام اسمیت در قرن هیجدهم به مخالفت با این نوع سیاستهای اقتصادی پرداخت و ادعا کرد که تمام کشورها از آزادسازی و توسعه تجارت بین‌المللی سود خواهند برد. بدین معنی که به دلیل تفاوت در هزینه بین دو کشور، کشوری که کالایی را ارزانتر تولید می‌کند باید اقدام به صدور آن کالا و مبادرت به خرید کالایی نماید که در کشور دیگر ارزانتر تولید می‌شود. به عبارت دیگر، آدام اسمیت اصل تقسیم بین‌المللی کار را مطرح ساخت. باید توجه داشت که وی آزادی بازرگانی تدریجی را توصیه می‌کرد تا برای تولیدکنندگان داخلی مشکلات ناگهانی ایجاد نگردد.

تجربه تلخ ناشی از مشکلات جنگ تجاری دهه ۱۹۳۰، بی‌نظمی اقتصاد بین‌المللی طی

بررسی موانع قانونی پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی با نگرشی بر سیاست‌های بازرگانی موجود در زمینه ماشینها و دستگاه‌های برقی

لیلا سرفراز
دانشگاه شیراز

پس از هشت دور مذاکرات گات برای از بین بردن موانع تجاری، تحت عنوان مذاکرات ژنو (۱۹۴۷)، مذاکرات آنسی (۱۹۴۹)، مذاکرات تورکی (۱۹۵۰-۵۱)، مذاکرات ژنو (۱۹۵۶)، مذاکرات دیلن (ژنو ۱۹۶۱-۶۲)، مذاکرات دورکندی (ژنو ۱۹۶۴-۶۷)، مذاکرات دورتوکیو (۱۹۷۳-۷۹) و آخرین دور مذاکرات، دوراروگوئه (۱۹۸۶-۹۴)، سازمان جهانی بازرگانی^۲ تأسیس گردید.

دوراروگوئه بسط کامل مقررات گات بود که در آن کشورهای عضو ملزم به ایفای تعهدات خود شدند و سازمان جهانی بازرگانی برخلاف گات، قدرت اجرایی یافت. در این دور، مقررات آزادسازی از تجارت کالا فراتر رفت و سایر جنبه‌های تجارت بین‌المللی را نیز دربر گرفت. در این دور، موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات^۳ (GATS)، موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی^۴ (TRIPs)، تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر سیستم حل اختلاف^۵ و تفاهم‌نامه مکانیسم بررسی خط‌مشی تجاری^۶ (TPRM) نیز به سایر مقررات گات اضافه شد. (Martin & Winters, 1995).

ایجاد سازمان جهانی بازرگانی در آخرین سالهای قرن بیستم توأم با پیشرفت‌های چشمگیر صنعت اطلاعات و مخابرات تحول عظیمی در ارتباطات تجاری به وجود آورد. فن آوری تجارت الکترونیکی، همراه با نگرش بین‌المللی دایر بر از بین رفتن مرزهای اقتصادی، بخصوص پس از فروپاشی نظام‌های بسته منطقه‌ای و ایجاد جغرافیای باز، جهانگرایی اقتصادی را موجب و باعث پدید آمدن دهکده جهانی گردید.

در حال حاضر حدود ۱۴۰ کشور بزرگ عضو سازمان جهانی بازرگانی هستند که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به مقررات خاص این سازمان، در برخی موارد کشورهای عضو می‌توانند تا ۶۰۰ درصد (ادیب، ۱۳۷۹) بر کالاهایی که از کشورهای غیر عضو وارد کشورشان می‌شود

تعرفه ببندند. به عبارت دیگر، عضو نبودن در این سازمان به معنای انزوای بین‌المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست. از آنجا که قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۴۰ کشور جهان برخوردار است و نتیجه حدود هفتاد سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورهاست، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. به همین دلیل است که در سالهای اخیر، همزمان با نشست‌های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض‌های توأم با خشونت نسبت به جهانی‌شدن اقتصاد مشاهده می‌گردد. پایه و اساس این سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی‌ریزی شده است؛ کشورهایی که در آنها ابزارهای نظام سرمایه‌داری در بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی، پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای هماهنگ و تنگاتنگ، تدریجاً طی پنج قرن نضج گرفته و تکامل یافته است. در حقیقت این سازمان شکل توسعه یافته چنین نظامی است که در سطح بین‌المللی مجال فعالیت و گسترش یافته است. مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی که هر یک زاییده و در عین حال متأثر از دیگری است پیچیده‌تر از آن می‌نماید که سهم قابل توجهی از سفره گسترده جهانی نصیب آنها شود. هرچند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راههایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته‌اند ولی اکثریت کشورهای در حال توسعه در این مسابقه نابرابر بازنده‌اند و امید چندانی برای موفقیت نخواهند داشت مگر آنکه ناهنجاریهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را با صداقت شناسایی کنند و با علم و آگاهی و اتخاذ سیاست‌های مدیریتی صحیح و بلندمدت در سطح کلان جامعه، سعی در ریشه‌کن کردن مشکلات داشته باشند. داشتن نگرش سیستمی، اشراف داشتن سیاستگذاران اقتصادی، سیاسی و بازرگانان بر مسائل و تحولات بین‌المللی، به روز بودن اطلاعات و درک اهمیت زمان و لحظه‌ها در تصمیم‌گیری، از ویژگیهای مورد نیاز عصر حاضر

○ تشکیل سازمان جهانی بازرگانی در آخرین سالهای قرن بیستم توأم با پیشرفت‌های چشمگیر صنعت اطلاعات و مخابرات، تحول عظیمی در مناسبات تجاری به وجود آورده است.

برای بقاست. در دهکده جهانی، فردا بسیار دیر است؛ بایستی از لحظه‌ها بهترین استفاده را برد یا صحنه را ترک گفت.

در سازمان جهانی بازرگانی از بدو تأسیس، با توجه به شکاف رفاهی بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. برای نمونه، در دوراروگونه مقرر گردید از سال ۱۹۹۵، کشورهای صنعتی پنج سال فرصت برای هماهنگ‌سازی مقررات خود با قوانین WTO داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی تنها ۵ سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می‌کند! از سوی دیگر باید اذعان کرد که نفوذ بین‌المللی کشورهای در حال توسعه در سازمان‌های بین‌المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. برای نمونه، در اجلاس ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۹ برای تعیین مدیر کل جدید WTO، مقرر گردید پس از خاتمه دوره مسئولیت آقای هایلک مور از نیوزلند این سمت در سپتامبر ۲۰۰۲ به آقای سویاچای پانتیج پاکستانی که قبلاً وزیر تجارت تایلند بوده است واگذار شود. کشورهای در حال توسعه، با توجه به اکثریتی که در WTO دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می‌توانند امتیازهای قابل توجهی در صحنه تجارت جهانی کسب نمایند.

ایران و سازمان جهانی بازرگانی

ایران در اجلاس ۱۹۹۷ سازمان جهانی بازرگانی که در سنگاپور تشکیل شد رسماً تقاضای عضویت خود را ارائه داد که با عدم استقبال کشورهای عضو روبرو گردید. مجدداً در ماه مه ۲۰۰۱، به درخواست مصر، این تقاضا در دستور کار قرار گرفت ولی به دلیل مخالفت آمریکا، مقرر گردید این موضوع در آینده مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین همچنان که مشاهده می‌شود عضویت ایران در WTO چندان هم سهل‌الوصول نمی‌باشد. در صورت پذیرش

تقاضای ایران در این سازمان اصلاحات اساسی و بنیادی در کشور برای بسترسازی مناسب برای پیوستن به WTO امری لازم و ضروری می‌باشد. طبق فلسفه سازمان جهانی بازرگانی، برقراری بازارهای باز، عدم تبعیض و ایجاد رقابت جهانی در تجارت جهانی باعث افزایش رفاه اقتصادی در سطح بین‌المللی خواهد شد. از ماده ۲۲۰۰ ماده مربوط به ضوابط عضویت، ۱۵۰۰ ماده بر قطع حمایت و آزادسازی تجاری تأکید دارد (ادب، ۱۳۷۹). بنابراین به‌عنوان نخستین گام بایستی برنامه‌های حمایتی که از دهه ۱۹۶۰ تحت عنوان سیاست جایگزینی واردات به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه اقتصادی در کشور به اجرا گذاشته شده است، مورد مطالعه و تجدید نظر اساسی قرار گیرد. چنین سیاستهایی که بدون زمان‌بندی و برنامه‌ریزی مناسب، هزینه‌های سنگین و جبران‌ناپذیری به کشور تحمیل کرده‌اند بتدریج بایستی جای خود را به سیاستهای آزادسازی و گسترش صادرات بدهند. البته نمی‌توان در مورد تمام صنایع یکسان عمل کرد و لازم است مزیت‌ها و عدم مزیت‌های نسبی در صنایع مختلف تعیین گردد و با توجه به ماهیت، میزان حمایت و محدودیتهای اعمال‌شده، سیاستهای مناسبی برای حذف تدریجی موانع تجاری به اجرا گذاشته شود. تا پایان سال ۱۳۷۷، دولت ایران تنها به ۱۰ هزار قلم کالا، اجازه واردات می‌داد در حالی که ۲۰۰ هزار رقم کالا کد گمرک دارد. یعنی به ۱۹۰ هزار کالا به‌عنوان مختلف اجازه ورود کالا داده نمی‌شد (ادب، ۱۳۷۹).

در ایران مطابق قانون صادرات و واردات مصوبه ۱۳۷۲ کالاهای وارداتی و صادراتی به سه گروه کالاهای مجاز، کالاهای مشروط و کالاهای ممنوع تقسیم می‌شوند. تعداد تعرفه کالاهای مجاز تنها ۸ فقره (۱۶٪ درصد) می‌باشند که برای صدور یا ورود نیاز به کسب مجوز ندارد. کالاهای ممنوع کالاهایی هستند که به موجب شرع مقدس اسلام یا به موجب قانون اجازه صدور یا ورود ندارند. تعداد تعرفه این کالاها ۱۷۸ تعرفه است (۴۸٪ درصد). کالاهای مشروط با ۴۸۷۰ تعرفه (۹۵٪ درصد) دارای پیچیدگیهای دست

○ باتوجه به شمار و وزن تجاری اعضای سازمان جهانی بازرگانی و مقررات خاص این سازمان، عضو نبودن در WTO به معنی انزوای بین‌المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست.

و یاگیر برای صادرات و واردات کشور می‌باشند. صادرات و واردات این نوع کالاها مشروط به کسب مجوز است. این کالاها با داشتن کدهای از ۱ تا ۹ بایستی از وزارتخانه‌های مختلف مجوز دریافت نمایند. این وزارتخانه‌ها به ترتیب کدگذاری از یک تا ۹ عبارتند از وزارت بازرگانی (کد ۱)، وزارت صنایع (کد ۲)، وزارت جهاد سازندگی (کد ۳)، وزارت معادن و فلزات، وزارت بهداشت و درمان، وزارت کشاورزی (کد ۶)، وزارت پست و تلگراف و تلفن، وزارت نفت و وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی. در برخی موارد کد تعرفه‌ای بیش از یک رقمی است بدین معنی که بایستی از بیش از یک وزارتخانه مجوز گرفته شود. برای نمونه کد ۱۲ نشان می‌دهد که اخذ مجوز از وزارت بازرگانی و وزارت صنایع الزامی است. تعداد ۶۰ ردیف از کالاها نیز مشمول تعرفه نمی‌باشند و از قوانین خاص تبعیت می‌کنند (خودرو). این گونه سیاست‌های محدودکننده اداری بخصوص از موانعی است که سازمان جهانی بازرگانی سعی در حذف آن دارد. در حال حاضر بیشتر موانع وارداتی کشورهای عضو WTO شامل موانع تعرفه‌ای و شفاف می‌باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران در سومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۹-۸۳) سعی در رفع ممنوعیت و کاهش محدودیتهای صادرات و واردات داشته است. بدین منظور مقرر گردیده است در سالهای اول برنامه، ممنوعیت ورود تمام کالاها به استثنای کالاهایی که ممنوعیت شرعی یا قانونی دارند حذف شود. همچنین اعلام شده که وزارتخانه‌ها برای تسهیل واردات در اوایل هر سال به جای اعطای مجوز ورودی، مجوز کلی صادر کنند. برای رونق تجارت خارجی مقرر گردیده موانع غیر تعرفه‌ای با رعایت ممنوعیت شرعی حذف گردد و عوارض معادل طی یک برنامه زمان‌بندی شده در نرخ تعرفه کالا منظور گردند. با توجه به بند اخیر دولت در سال ۱۳۷۹ واردات ۶۰۰ قلم کالا را آزاد اعلام کرد و در اوایل سال ۱۳۸۰ نیز ضمن اعلام کاهش سود بازرگانی در آینده، تصمیم گرفت محدودیت‌های

غیرتعرفه‌ای ۱۱۵۰ قلم کالای دیگر را لغو نماید (حیات نو، ۱۳۸۰). آخرین اقدامات انجام شده از سوی وزارت بازرگانی در شهریور ۱۳۸۰ حاکی از آن است که برای واردات ۱۵۳۰ کالا اخذ مجوز از وزارت صنایع حذف گردیده و به جای آن نرخهای جدید سود بازرگانی اعمال می‌شود. در مورد اقلامی که واردات آنها موکول به رعایت الزامات قانونی وزارتخانه‌های بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، پست و تلگراف و تلفن، نفت و فرهنگ ارشاد اسلامی است، همانند سابق مجوزهای لازم اخذ می‌گردد. جای تعجب است که به پیشنهاد وزارت صنایع و معادن، سود بازرگانی برخی اقلام از ۵ درصد به ۳۰ درصد و برخی نیز تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. این نوع تعرفه‌ها بعضاً غیر کارشناسی است و علاوه بر افزایش هزینه تولید و قیمت تمام شده کالا برای مصرف کننده، انگیزه ورود کالا از مجاری غیررسمی و قاچاق را افزایش خواهد داد و برخلاف مقررات WTO نیز می‌باشد. براساس مقررات جدید صادرات و واردات، سود بازرگانی لوازم خانگی از جمله تلویزیون از ۱۰۰ به ۲۰۰ درصد، یخچال از ۱۵۰ به ۲۵۰ درصد، لوازم صوتی از ۶۰ به ۱۰۰ درصد، پارچه از ۸۰ به ۴۵۰ درصد، ورق آهن از ۱۰ به ۵۰ درصد و لامپ جیوه‌ای از ۵ به ۳۰۰ درصد افزایش یافته است (نوروز، ۱۳۸۰). چنین سیاستهایی با توجه به بحث داغ پیوستن ایران به سازمان جهانی بازرگانی نمی‌تواند هیچگونه توجیهی داشته باشد و دقیقاً برخلاف سیاستها و قوانین و مقررات WTO است.

بررسی فصل ۸۵ قانون صادرات و واردات در سالهای ۱۳۷۵-۸۰

طبق ماده ۱۵ قانون صادرات و واردات، دولت موظف است تمام مبالغ دریافتی از کالاهای وارداتی از قبیل سود بازرگانی، عوارض گمرکی، مابه‌التفاوت سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، حق ثبت سفارش، حق انحصار، عوارض شهرداری، عوارض تعاون، عوارض هلال احمر، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، عوارض بندری، عوارض بهداشتی و غیره را به

○ از آنجا که قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۴۰ کشور جهان برخوردار است و نتیجه حدود ۷۰ سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورهاست نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

وزارت بازرگانی در شهریور ۱۳۸۰ سود بازرگانی تلویزیون از ۱۰۰ به ۲۰۰ درصد افزایش یافته است.

بیشترین میزان افزایش تعرفه مربوط به ردیف ۸۵/۳۷ (تابلو - پانل و...) است که از متوسط ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۹ با افزایشی ۳۵۰ درصدی به متوسط ۲۵۰ درصد رسیده است.

در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ تعداد ۲۶۰ قلم کالا در فصل ۸۵ وجود داشته که در سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ این تعداد به ۳۰۰ قلم کالا افزایش یافته است. جدول زیر آمار مربوط به سود بازرگانی، حقوق بازرگانی و متوسط تعرفه هر کالا (جمع حقوق گمرکی و سود بازرگانی هر سال و تقسیم آن بر تعداد کالاها) را نشان می‌دهد. افزایش حقوق گمرکی از ۱۸۰۰ به ۲۱۰۰ در جدول به دلیل افزایش تعداد کالاها در سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ است.

طبق جدول فوق نرخ افزایش تعرفه فصل ۸۵ سالانه بطور متوسط ۳۵ درصد است که افزایشی ۲۶۰ درصدی را در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. متوسط تعرفه ماشین آلات برقی در سال ۱۳۸۰ در ایران حدوداً ۶۶/۵ درصد می‌باشد. این در حالی است که تعرفه ماشین آلات برقی بر اساس توافق دورارو گونه از ۶/۳ درصد در سالهای قبل از دورارو گونه به ۳/۵ درصد در سالهای بعد از آن کاهش یافته است. به عبارت دیگر، متوسط تعرفه ماشین آلات برقی در ایران در سال ۱۳۸۰ تقریباً ۱۹ برابر متوسط تعرفه این کالاها بعد از تحولات دورارو گونه است.

استثنای مبالغی که به عنوان حقوق گمرکی تعیین و دریافت می‌شود در مجموع تحت عنوان سود بازرگانی تعیین و برای وصول به گمرک جمهوری اسلامی ابلاغ کند. تعدد عوارض فوق و دریافت آنها بطور جداگانه نشان می‌دهد که چه مشکلات و کاغذبازی‌هایی پیش پای واردکنندگان وجود دارد. در حال حاضر تمام عوارض و مبالغ دریافتی به صورت حقوق گمرکی (تعیین شده توسط مجلس شورای اسلامی) و سود بازرگانی (تعیین شده توسط هیأت دولت) گرفته می‌شود که خود گام مثبتی در جهت تسهیل واردات است.

فصل ۸۵ قانون صادرات و واردات دارای ۴۸ گروه کالایی و ۲۹۰ کالا یا ردیف تعرفه است که مربوط به ماشین آلات و دستگاههای برقی و اجزا و قطعات آنها، دستگاههای ضبط و پخش صوت و تصویر تلویزیونی، اجزا و قطعات و متفرعات این دستگاهها می‌شود. ده درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهد.

تقریباً می‌توان گفت که در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ حقوق گمرکی فصل ۸۵ ثابت بوده است در حالی که میزان سود بازرگانی افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. از ۴۸ گروه کالایی مورد بررسی، تعرفه ۱۷ گروه یعنی ۳۵/۵ درصد از گروه‌ها در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال قبل افزایش نشان می‌دهد. ۲۹ گروه (۶۰/۵ درصد از گروهها) تغییر محسوسی نسبت به سال قبل نداشته‌اند و تنها ۴ درصد گروهها یعنی ۲ گروه (قهوه‌ها و باطری‌ها و دستگاههای فرستنده تلویزیونی) هر کدام به میزان ده درصد کاهش نشان می‌دهند (سالنامه آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۷۵:۷۷). طبق آخرین آمار منتشره از سوی

○ بدون اجرای صحیح

سیاست آزادسازی تجاری در داخل، حتی پذیرش ایران به عضویت WTO نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه باعث ورشکستگی کارخانه‌ها و بنگاه‌هایی خواهد شد که سالیان دراز با حمایت‌های بی‌برنامه و با بهره‌وری اندک، کالاهایی با کیفیت پایین و هزینه‌زیا درابه مصرف کنندگان تحمیل کرده‌اند.

آمار مربوط به سود بازرگانی، حقوق گمرکی و متوسط تعرفه هر قلم کالای فصل ۸۵ در سالهای مختلف

سال	کل حقوق گمرکی	کل سود بازرگانی	مجموع حقوق و سود بازرگانی	تعداد کالا	متوسط تعرفه هر قلم کالا	درصد افزایش نسبت به سال قبل
۱۳۷۵	۱۸۰۰	۲۹۵۰	۴۷۵۰	۲۶۰	۱۸/۲ درصد	-
۱۳۷۶	۱۸۰۰	۳۴۴۰	۵۲۴۰	۲۶۰	۲۰/۱	۱۰
۱۳۷۷	۱۸۰۰	۸۳۲۵	۱۰۱۲۵	۲۶۲	۳۸/۶	۹۲
۱۳۷۸	۲۱۰۰	۱۳۸۸۵	۱۵۹۸۵	۲۹۳	۵۴/۵	۴۱
۱۳۷۹	۲۱۰۰	۱۴۱۰۰	۱۶۲۰۰	۲۹۵	۵۵/۲	۱
۱۳۸۰	۲۱۰۰	۱۷۹۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰	۶۶/۶	۲۰

آیا منافع کوتاه مدت و حل آبی مسائل مدنظر است یا برنامه ریزی مناسب بلندمدت برای جهش از وضعیت فعلی به اقتصادی که حرفی برای گفتن در تجارت بین الملل داشته باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به تحولات اقتصاد بین الملل، برای بقا در صحنه تجارت جهانی راهی جز پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی وجود ندارد. البته باید خاطر نشان ساخت که اتخاذ سیاستهای تجاری مناسب لازم است ولی کافی نیست. نمی توان در اقتصادی ضعیف و ناکارآمد با تولیدکنندگان خارجی رقابت کرد و در داخل یا خارج سهم چندانی از بازار را به دست آورد. گسترش صادرات در گرو داشتن اقتصادی سالم و فعال است که در آن سیاستهای کلان جامعه با هماهنگی بخش های مختلف تولیدی، پولی و مالی، ارزی و تجاری اتخاذ گردد. مهار تورم، ایجاد امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تصحیح قوانین و مقررات مالیاتی، اصلاح قانون کار، از بین بردن بیکاری، ایجاد انگیزه در بخش خصوصی با از بین بردن موانع تولید و تخصیص

بقیه در صفحه ۱۵۷

همچنین با بررسی فراوانی نرخهای تعرفه در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ روشن می گردد که روند سیاستهای تجاری به سمت افزایش محدودیتهای وارداتی و برخلاف سیاستهای پیشنهادی WTO در مورد آزادسازی تجاری است. (جدول ۲ و نمودار ۱).

همچنان که از جدول ۲ و نمودار ۱ پیداست نرخهای تعرفه در سال ۱۳۸۰ سیری صعودی داشته اند. به عبارت دیگر، علیرغم آزادسازی ورود برخی کالاها پس از برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور، همچنان سیاستهای حمایتی شدیدی در ایران اعمال می گردد. هرچه برنامه آزادسازی تجاری به تعویق افتد، تولیدکنندگان داخلی کمتر دغدغه خاطر افزایش کارایی و رقابت با تولیدکنندگان خارجی را خواهند داشت. با چنین شرایطی، حتی پذیرش ایران به عضویت سازمان جهانی بازرگانی نیز نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه باعث ورشکستگی کارخانهها و بنگاههایی خواهد شد که سالیان دراز با حمایت های بی برنامه و فاقد افق زمانی، همچنین با بهره گیری اندک، کالاهایی با کیفیت پایین و هزینه زیاد را به مصرف کنندگان تحمیل کرده اند. در این سیاستها بایستی معین شود که علت حمایت چیست، آیا هدف ایجاد درآمد برای دولت است،

○ سیاست های بازرگانی ایران در مورد ماشین آلات و دستگاه های برقی و اجزا و قطعات آنها نه تنها هم جهت با دستاوردهای هفتاد ساله گات و سازمان جهانی بازرگانی نیست بلکه در خلاف مسیر و مغایر با قوانین و مقررات این سازمان است.

جدول ۲: فراوانی نرخهای تعرفه در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰

سال	نرخ تعرفه					
۱۳۷۵	۰.۵	۶.۱۵	۱۶.۲۵	۲۶.۵۰	۵۱.۱۰۰	بیش از ۱۰۰
۱۳۸۰	۵	۳	۳	۱۳	۱۵	۱۰

نمودار ۱: نمودار مقایسه ای فراوانی نرخهای تعرفه در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰

